

فصلنامه تخصصی اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال سوم، شماره سوم و چهارم، پاییز - زمستان ۱۳۹۷ [انتشار: پاییز ۱۳۹۹]

سرمسخر: اندر نگاهداشت جانب اهل وفا • تلفظ صامت‌های عربی «ض» و «ظ» در زبان فارسی / علی‌اشرف صادقی • درباره تاریخ تألیف نزهة المجالس جمال‌الدین خلیل شروانی و نمونه خط شمس‌الدین جونی اول / عبداللّٰه شیخ‌الحکامی • رباعیات خیتام، بررسی دستنویس محمد قوام / سید علی میرافشلی • نسخه‌های تازه‌یافت از معدن‌الذّور در مجارستان / عارف نوشاهی • اشعار کافی ظفر در سفینه صائب / محسن ذاکر‌الحسنی «پوند» • ابیاتی نویافته از آفرین‌نامه ابوشکور بلخی / سید محمدحسین حکیم • شهید بلخی، شاعر و فیلسوف هم‌عصر رازی / فرانسوا بلوا، ترجمه: میرسالار رضوی • یادگار تصویری چاپ سنگی زیارت کربلای معلى / علی بودری • دگرگونی دو وزن دوری‌شده، بررسی تاریخی و تحلیل موسیقایی / بهرام بنائی • معرفی و تصحیح فرستامای کهن / یاسین اسماعیلی • ترجمه‌ای کهن از قصیده نوبه ابوالفتح بستی / فاطمه شاملو • مجله مولانا رومی (جلد ۲۰، ۲۰۲۰) / مجالدین کیوانی • شعر تغزلی فارسی در دوران کلاسیک، ۸۰۰-۱۵۰۰: غزل، قصیده و رباعی / مجالدین کیوانی • دستور الملوک میرزا رفیعا با ملاحظاتی درباره دو متن مشابه آن / علی صفری آق‌قلعه • نگاهی به فرهنگنامه توصیفی پزشکی در شعر کهن فارسی / اکبر حیدرانی • نگاهی به تصحیح خلاصه الاشعار و زیادة الافکار (بخش قزوین، گیلان و دارلرز و نوا) / مرتضی موسوی • نقد و بررسی دیوان اشعار شهاب‌الدین عمیق بخارایی / محسن شریفی صحنی • مروری بر کتاب ان‌لئون در عرصه علم و سیاست / هدیه رهبری • ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۵) / ستایش دشتی • آثار پیکوی ابراهیم افندی / نصرالله صالحی • چند نکته درباره ابوعلی تیرانی (تیرانی) / اکبر نعمی • ابوعلی تیرانی، صاحب کتاب المصداور / سید احمدرضا قائم‌مقامی • عبید با عبید زاکانی، درنگی بر اشعار منسوب به عبید در مجموعه لطایف و سفینه ظریف / فرنام حقیقی • خودنقادی، ذیلی بر مقاله پیشین نگارنده / محسن شریفی صحنی



فهرست

سر سخن

اندر نگاهداشت جانب اهل وفا..... ۴-۳

جستار

تلفظ صامت‌های عربی «ض» و «ظ» در زبان فارسی / علی‌اشرف صادقی..... ۱۲-۵
درباره تاریخ تألیف نزهة المجالس جمال‌الدین خلیل شروانی و نمونه خط شمس‌الدین
جوینی اول / عمادالدین شیخ‌الحکمایی..... ۱۵-۱۳
رباعیات خیتام، بررسی دستنویس محمد قوام / سیدعلی میرافضلی..... ۲۲-۱۶
نسخه‌ای تازه یافت از معدن الدرر در مجارستان / عارف نوشاهی..... ۲۶-۲۳
اشعار کافی ظفر در سفینه صائب / محسن ذاکر الحسینی «پرنده»..... ۲۸-۲۷
ابیاتی نویافته از آخرین نامه ابوشکور بلخی / سید محمدحسین حکیم..... ۳۲-۲۹
شهید بلخی، شاعر و فیلسوف هم‌عصر رازی / فرانسوا دیلو؛ ترجمه: میرسالار رضوی..... ۳۹-۳۳
یادگار تصویری چاپ سنگی زیارت کربلای معلی / علی بوذری..... ۴۵-۴۰
دگرگونی دو وزن دوری شده، بررسی تاریخی و تحلیل موسیقایی / بهراد بنائی..... ۵۸-۴۶
معرفی و تصحیح فرسنامه‌ای کهن / یاسین اسماعیلی..... ۷۱-۵۹
ترجمه‌ای کهن از قصیده نونیه ابوالفتح بستی / فاطمه شاملو..... ۸۲-۷۲

نقد و بررسی

مجله مولانا رومی (جلد نهم، ۲۰۲۰م) / مجتهدالدین کیوانی..... ۸۸-۸۳
شعر تغزلی فارسی در دوران کلاسیک، ۸۰۰-۱۵۰۰: غزل، قصیده و رباعی / مجتهدالدین کیوانی..... ۹۴-۸۹
دستور الملوک میرزا رفیعاً با ملاحظات دربارۀ دو متن مشابه آن / علی صفری آق‌قلعه..... ۱۰۹-۹۵
نگاهی به فرهنگنامه توصیفی پزشکی در شعر کهن فارسی / اکبر حیدریان..... ۱۱۶-۱۱۰
نگاهی به تصحیح خلاصه الاشعار و زیادة الافکار (بخش قزوین، گیلان و دارالمرز و نواحی آن) / مرتضی موسوی.....
..... ۱۲۸-۱۱۷
نقد و بررسی دیوان اشعار شهاب‌الدین عمیق بخاری / محسن شریفی صحرایی..... ۱۳۴-۱۲۹
مروری بر کتاب ان‌لمتون در عرصه علم و سیاست / هدیه رهبری..... ۱۳۶-۱۳۵

پژوهش‌های وابسته

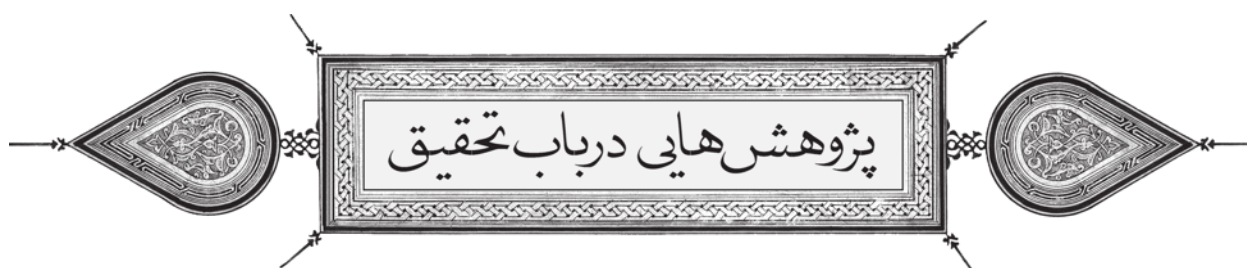
ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۵) / ستایش دشتی..... ۱۴۱-۱۳۷

ایران «متون و منابع عثمانی»

آثار پیجوی ابراهیم افندی / نصرالله صالحی..... ۱۴۴-۱۴۲

درباره نویسندگی

چند نکته درباره ابوعلی تیزانی (تیزانی) / اکبر نحوی..... ۱۴۷-۱۴۵
ابوعلی تیزانی، صاحب کتاب المصادر / سیداحمد رضا قائم مقامی..... ۱۵۰-۱۴۸
عبید یا عبید زاکانی، درنگی بر اشعار منسوب به عبید در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف /
فرزاد حقیقی..... ۱۶۲-۱۵۱
خودانتقادی، ذیلی بر مقاله پیشین نگارنده / محسن شریفی صحرایی..... ۱۶۴-۱۶۳



پهلوی اشکانی ترفانی وارد عربی شده و در آن زبان برای ساختن اسم منسوب به کار می‌رود و بعضی از این اسامی منسوب وارد فارسی شده‌اند. با این حال، حتی پیش از آنکه وارد مباحث ریشه‌شناختی شویم، نگاهی به بعضی کلماتی که با این پسوند ساخته شده‌اند نشان می‌دهد که دست‌کم اشتقاق گروهی از آنها ظرایف دیگری دارد. مثلاً نصرانی (منسوب به شهر ناصرة)، یونانی، عضلانی، شهوانی و منانی (منسوب به مانی). در این نوشته قصد داریم که اصل این پسوند را با کمک منابع سامی بجویم و در آن حین به دشواری‌ها و پیچیدگی‌های بررسی ریشه‌شناختی تکواژها و کلماتی که اصل سامی دارند بپردازیم.

اصل پسوند «-انی» را بایستی در پسوند های -ān و -iy/-āy- صفت‌ساز سریانی و عربی جست. پسوند صفت‌ساز -ān- هم در عربی و هم در سریانی پرکاربرد است و گاه در سریانی، وقتی این پسوند به اسم‌های مؤنث افزوده می‌شود، علامت تأنیث از میان می‌رود (همانند gaggārān «پرخور» از gaggartā «گلو»). پسوند -āy- سریانی، که در عربی معادلش -iy- است، در ابتدا برای نشان دادن تعلق به یک شهر، گروه یا قبیله به کار می‌رفته‌است و سپس کاربردش توسع یافته و تعلق و نسبت به هر چیزی را نشان می‌داده‌است. این پسوند معمولاً بعد از ریشه (گاه با حذف علامت تأنیث مانند medīnāy «شهری» از mādīntā «شهر»، یا حذف علامت مثنی و جمع مانند neššāi «زنانه» از neššē «زنانه») می‌آمده و ا‌ه‌ای ریشه را تبدیل به مصوّت کوتاه می‌کرده‌است (که بعداً خود این مصوّت کوتاه می‌توانسته تبدیل به مصوت کوتاهی مانند شوا/ا/ شود).

ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۵)

ستایش دشتی*

setayesh.dashti96@gmail.com

۵. پسوند «-انی» سامی در زبان فارسی

در فرهنگ‌های فارسی چندده کلمه مختوم به پسوند «-انی» ضبط شده که اصل فارسی ندارد و مشهور است که این کلمات با پسوند «-انی» عربی ساخته شده‌است. برای مثال شریعت نوشته‌است که اگر صفت نسبی به پسوند «-انی» ختم شده‌باشد، این پسوند مخصوص زبان عربی است و در زبان عربی بین صفت‌هایی که با «-ی» و «-انی» ساخته می‌شوند تفاوت معنایی ظریفی وجود دارد. ابوالقاسمی نیز معتقد است که پسوند -ānīg-

* از استاد بزرگوارم، دکتر احمد رضا قائم مقامی، که در اثنای نگارش این مطلب از هیچ نوع مشورت و راهنمایی دریغ نکردند، همچنین از دکتر نیما جمالی که از سر لطف این یادداشت را از نظر گذراندند و نکات ارزشمندی را به نگارنده گوشزد کردند بسیار سپاسگزارم.

این دو پسوند گاه به هم می‌پیوسته‌اند و پسوند مرکب *-ānāy/-āniy* را تشکیل می‌دهند. در دوره‌های قدیم زبان عربی این پسوند مرکب نسبتاً کم کاربرد بوده‌است، اما در گویش‌های جدید عربی بسیار زایا شده‌است و واژه‌هایی همانند «تحتانی»، «فوقانی»، «برّانی» و «جَوّانی» را ساخته‌است. اما پسوند *-ānāy* در آرامی و سریانی از ابتدا کاربرد فراوانی داشته و بیشتر برای ساخت کلمات عالمانه، همانند *gušmānāy* «جسمانی» و *napšānāy* «جاندار، روحانی»^۱ استعمال می‌شده‌است تا کلمات روزمره. یکی دیگر از کاربردهای این پسوند، در آرامی و سریانی، ساخت اسم و صفت نسبی از نام شهرها، کشورها و قوم‌ها (gentilico یا demonym) است و در این کاربرد، گاه پسوند *-ānāy* به *-nāy* تخفیف یافته‌است. کلماتی که با این پسوند در سریانی ساخته شده‌اند، گاه به صورت وام‌واژه به عربی راه یافته‌اند و در این صورت *-āy* پایانی آنها به *-ī* بدل شده‌است، برای مثال در سریانی از نام شهر حَرّان صفت *har(r)ānāy* ساخته شده که در عربی به شکل حرّانی وارد شده‌است. ممکن است این تحول آوایی برای نزدیک‌سازی صورت پسوند واژه وام‌گرفته شده به معادل عربی آن، یعنی *-īy*، رخ داده‌باشد.

حال که اصل این پسوند را شناختیم، می‌توانیم پیشینه بعضی از واژه‌هایی را که در فارسی به «-انی» ختم می‌شوند بجویم. واژه‌هایی چون «روحانی»، «جسمانی» و «نفسانی» هم در سریانی و هم در عربی وجود دارند و طبق آنچه پیشتر گفته‌شد، احتمال اینکه این واژه‌ها در خود عربی ساخته شده‌باشند، با توجه به اینکه نخست. بسامد کاربرد این پسوند در عربی، چندان زیاد نیست، و دوم. در فرهنگ‌های عربی چون تاج‌العروس «جسم» به کسر جیم امّا «جسمانی» به ضمّ آن مدخل شده‌است (در بعضی فرهنگ‌ها مدخل «جُسمان» هم دیده می‌شود که ممکن است حاصل بازتحلیل^۲ «جُسمانی» به «جُسمان» + «-ی» بوده‌باشد) بسیار اندک

۱. در فرهنگ‌های قدیم عربی چون تاج‌العروس، «نفسانی» در معنی «مرتبط به روح، روحانی» آمده‌است (و در برابر «جُسمانی»). تغییر معنایی این واژه در پی تغییر معنای «نفس» به «تن» رخ داده‌است، اما اینکه این تغییر در عربی رخ داده یا در فارسی، بر نگارنده روشن نیست.
۲. بازتحلیل (reanalysis) بدین معناست که متکلمان به یک زبان، یک صورت

است و این واژه‌ها، در زبان عربی، دخیل از سریانی‌اند. وضع واژه‌های «نورانی»، «ظلمانی» و «عقلانی» پیچیده‌تر است. «نورانی» به شکل *nūrānāy* در سریانی وجود دارد و لذا می‌تواند صورت دخیل سریانی در عربی باشد (به شکلی که بالاتر توضیح دادیم)^۳، امّا در مورد «ظلمانی» نمی‌توان این حکم را داد، زیرا ریشه *ṭ-l-m* سریانی تنها معنی «ستم کردن» می‌دهد و صورت *ṭalmānāy** در سریانی وجود ندارد که در عربی به شکل «ظلمانی» دربیاید. «عقلانی» نیز هیچ ریشه مشابهی در سریانی ندارد. در وهله نخست می‌توان تصور کرد که متکلمان به زبان عربی در قیاس با جفت‌های «تحتانی» و «فوقانی» (که بدون آنکه در سریانی کاربرد داشته‌باشند در خود عربی وجود داشته‌اند) و «جسمانی» و «نفسانی» (که وام‌واژه از سریانی‌اند)، «ظلمانی» را در مقابل «نورانی» (و «عقلانی» را شاید در برابر «روحانی») ساخته‌باشند. با این حال، جست‌وجو در فرهنگ‌های لغت عربی نشان می‌دهد که «نورانی»، «ظلمانی» و «عقلانی» در فرهنگ‌های قدیم عربی شاهدهی ندارد، امّا در فارسی از قرن پنجم به کار رفته‌است. در اینجا دو احتمال مطرح می‌شود:

۱. واژه‌هایی در زبان عربی بوده‌اند (وام‌واژه یا اصیل) که در فرهنگ‌های قدیم عربی ضبط نشده‌اند امّا به زبان دیگری وارد شده و در ادبیات آن زبان به کار رفته‌اند؛
۲. «-انی» در فارسی پسوند زایایی بوده و قیاسی که پیشتر از آن سخن گفتیم توسط فارسی‌زبانان صورت گرفته و بر کلمات عربی اعمال شده‌است.

گروهی دیگر از کلماتی که در فارسی پسوند «-انی» دارند و پسوندشان مرتبط به اصلی سامی است، اسامی رساننده مفهوم اهلیت (اسم و صفت نسبی از نام مکان‌ها و قوم‌ها) هستند. بحث در باب این کلمات را با ذکر خلاصه‌ای از آنچه دوبلوا در باب ریشه «نصرانی» (منسوب به شهر ناصره)

زبانی را به نحوی متفاوت از اصل آن تحلیل کنند، زیرا ساخت اصلی آن برای آنان مبهم و ناآشناست. گاه در روند بازتحلیل یک فرایند اشتقاق عامیانه رخ می‌دهد تا ساخت آن صورت زبانی به صورت‌های موجود و معمول آن زبان نزدیک‌تر شود.
۳. باید دقت کرد که این واژه در سریانی نه به معنی «روشن»، که به معنی «شعله‌ور و آتشین» است.

به اصلی سریانی مربوط دانست. اینجا با این مسأله مواجهیم که آیا دست‌کم برای «یونانی»، «عبرانی»، «سریانی»، «کلدانی» و «دیرانی» بایستی به اصل‌هایی سریانی قائل شویم که شاهی از آنها در متون موجود نیست، یا آنها را محصول قیاسی بدانیم که در عربی رخ داده‌است؟ در شواهدی مانند «اسکندرانی» می‌توان بسیار محتمل دانست که از زمانی پسوند «-انی» در عربی برای ساخت اسم رساننده مفهوم اهلیت زایا بوده است^۴، اما در مورد شواهدی مانند «یونانی» نمی‌توان چندان مطمئن بود. اگر تمام این واژه‌ها را حاصل قیاس عربی زبانی بدانیم (آنطور که نولدکه سال‌ها پیش، یعنی در ۱۸۷۱ م، گفته‌است)، پایه این قیاس باید اسامی رساننده مفهوم اهلیت مختوم به ānāy- سریانی بوده‌باشد که به عربی وارد شده‌اند؛ ولی این واژه‌ها، به‌ویژه در قیاس با اسامی اهلیت مختوم به āy-، در سریانی چندان زیاد نیستند.

همانطور که بالاتر نیز اشاره کردیم، در عربی پسوند «-انی» برای ساختن صفاتی که معنای مالکیت یا تصاحب یا دارندگی را می‌رسانند به کار می‌رود و تعدادی از این صفت‌ها به فارسی نیز راه پیدا کرده‌اند.^۵ برای این کلمات هیچ اصل سریانی‌ای نمی‌توان یافت. از این دسته می‌توان از «لحیانی» و «شهوانی» نام برد که در هر دو علامت تأنیث حذف شده‌است. «طولانی» نیز، هرچند در فرهنگ‌های عربی شاذ است، بایستی به همین نحو توجیه شود. با این حال، بعضی واژه‌های فارسی که در نگاه اول به نظر می‌رسد متعلق به این دسته هستند، نمی‌توانند اینگونه توجیه شوند. «عضلانی»^۶، «عصبانی»، «حقانی» و «لحمانی» معادلی در عربی ندارند. به نظر می‌رسد که از زمانی در زبان فارسی نیز یک پسوند «-انی» به وجود آمده که صرفاً نسبت را می‌رسانده‌است، نه دارندگی را.

۴. ممکن است «یمانی» (منسوب به یمن) نیز به‌تأثیر از همین پسوند به وجود آمده‌باشد. اگر این فرض درست باشد، بر زبانی بسیاری که این پسوند در زبان عربی پیدا کرده‌است صحه خواهد گذاشت.
۵. تعیین اینکه این پسوند چگونه ارتباطی با پسوند ānāy- / āniy- که در بالا از آن صحبت کردیم دارد، در تخصص نگارنده نیست.
۶. «عضلانی» در متون قدیم نه به معنای «فرد پرعضله» که به معنای «مرتبط با عضله» به کار رفته‌است.

گفته‌است آغاز می‌کنیم. او معتقد است که از آنجا که صورت *nasrānāy** در هیچ گویشی از آرامی وجود ندارد، نمی‌توانیم «نصرانی» عربی را وام‌واژه‌ای اصالتاً سریانی بدانیم. او به این اشاره می‌کند که در عربی پسوند «-انی»، بدون تأثیر بر مصوت‌های ریشه، برای ساختن صفت‌هایی دال بر داشتن مقادیر فراوان از چیزی یا کیفیتی به کار رفته‌است (مثلاً «شعرانی» به معنی «پرمو»)^۷؛ بنابراین ممکن است که عربی‌زبانانی که در تلاش برای بازتحلیل *nāsrāy* (آنطور که در پیش‌گفتا آمده است) یا *nasrāy** سریانی بوده‌اند، آن را به شکل «نصرانی» و به معنی «دارنده نصر/ پیروزی بسیار» بازگردانده باشند. توضیح دوبلوا منطقی می‌نماید، اما بایستی به این نکته توجه کرد که این الگو در چند جای دیگر نیز تکرار شده‌است و ممکن است اعراب «نصرانی» را لزوماً «دارنده نصر بسیار» نفهمیده‌باشند، بلکه از یک الگوی کاملاً صوری برای ساخت صفت استفاده کرده‌باشند. برای مثال، «یونانی» را نمی‌توانیم به *yawnānāy** که در سریانی کاربرد دارد بازگردانیم، زیرا تنها صورتی که در فرهنگ‌های سریانی ضبط شده *yawnāy* است. برای «عبرانی»، «سریانی»، «کلدانی»^۸ و «دیرانی» (منسوب به دیر) نیز در سریانی تنها صفت مختوم به āy- می‌یابیم (یعنی *dayyrāy* و *kaldāy*, *sūryāy*, *ʿebrāy*) و نه صفت مختوم به ānāy-. اما در اینجا پیچیدگی دیگری وجود دارد. می‌دانیم که پسوند ānāy- در سریانی زایا بوده‌است؛ جز مثال «حرانی»، شواهدی دیگر از این کاربرد «منانی» (منسوب به منی) است که تخفیف مصوت بلند آن دقیقاً همان تحوّل است که در واژه‌های این چنینی سریانی می‌بینیم و بالاتر به آن اشاره و مثال «حرانی» را به آن مناسبت ذکر کردیم.^۹ از سوی دیگر، در عربی «اسکندرانی»، «بحرانی» (در ترکیب «دم البحرانی» به معنی «خون حیض، منسوب به بحر الزحم»)، «منبجانی» (از منبج) و کلماتی از این دست وجود دارند که آنها را نمی‌توان

۱. *pešittā*: تحریر سریانی کتاب مقدس مسیحیان.
۲. ممکن است این واژه از «کلدان + ی» ساخته شده‌باشد. در میان فرهنگ‌های عربی، تنها در تاج العروس از «کلدان» و «کلدانیون» یاد شده‌است.
۳. دوبلوا همچنین به «عنانی» به معنی «منسوب به شهر عانة» اشاره کرده‌است که از همین الگو پیروی می‌کند، اما در فرهنگ‌های سریانی صورت معادل آن ضبط نشده‌است.

در ایجاد چنین پسوندی، احتمالاً چندین عامل دخیل بوده‌است. اولین عامل همان وام‌واژه‌های عربی در زبان فارسی هستند که به «-انی» (چه پسوند دارندگی عربی، چه پسوندهای دیگر سریانی‌الصل و عربی) ختم می‌شوند و چون ریشه‌شان هم به فارسی وارد شده‌است، ساخت شقافّی برای فارسی‌زبانان دارند و پسوند «-انی» در آنها به سادگی قابل تشخیص است (همانند «نورانی»، «شهوani» و «کلدانی»). احتمالاً از طریق قیاس با ریشه بعضی از این کلمات که مؤنثند، چون «کلده» و «شهو»، حذف علامت تأنیث هنگام اضافه شدن این پسوند برای فارسی‌زبانان به عنوان یکی از قواعد ساخت واژه با این پسوند شناخته شده‌است. وجود کلمات بسیار کهنی همانند «زندگانی»، «رودگانی» و «خسروانی» نیز می‌توانسته گویشور را به انتزاع پسوند نسبت «-انی» سوق دهد. همچنین پیوستن «-ی» اسم‌ساز به «-ان» قیدساز زبان فارسی، همانند «شادانی»، نیز در نهایت به ایجاد یک صورت «-انی» با معنای نزدیک به پسوند نسبت‌ساز انجامیده‌است. شاید همین انتزاع «-انی» به عنوان پسوند نسبت‌ساز، پاسخی به پرسشی که بالاتر در مورد کلمات «نورانی»، «ظلمانی» و «عقلانی» پرسیدیم بدهد. دور از ذهن نیست اگر تصور کنیم که فارسی‌زبانان پس از انتزاع پسوند «-انی» از طریق قیاس در کلمات دخیل از عربی، این پسوند را به کلمات بسیط دخیل اضافه کرده و مشتقات جدیدی ساخته‌باشند.

این پسوند گاه حتّی به کلمات فارسی نیز اضافه شده، که «تنانی» (= جسمانی) نمونه آن است. نظر مشهور آن است که «-ان» در این کلمه علامت جمع است و ساخت آن مشابه «خسروانی» و امثال آن است. امّا پرسش اینجاست که چرا باید به «تن» علامت جمع اضافه شود و سپس «-ی» نسبت از آن صفت نسبی بسازد؟ قیاس این واژه با «جسمانی» خود می‌توانسته‌است عامل ساخته شدن «تنانی» با «-انی» سامی‌الاصل بوده‌باشد.

طبق آنچه گفته شد، واژه‌ای که در فارسی به «-انی» ختم می‌شود، اگر از اصل ایرانی نباشد، چندین اصل متفاوت ممکن است داشته‌باشد:

۱. ممکن است مختم به ānāy- سریانی بوده‌باشد و از

طریق عربی به فارسی رسیده‌باشد (همانند «جسمانی» و «نفسانی»);

۲. ممکن است یکی از کلماتی باشد که در دوره‌های جدیدتر در زبان عربی و با پسوند āniy- عربی ساخته شده‌اند، که خود دو دسته‌اند:
 - آنها که احتمالاً ارتباطی با صورت‌های رایج در سریانی ندارند و ساخته عربی‌زبانانند، مانند «تحتانی» و «فوقانی»;
 - آنها که اصل سریانی ندارند امّا نمی‌دانیم توسط چه کسانی و در قیاس با کدام کلمات ساخته شده‌اند، همانند «ظلمانی»;
۳. ممکن است از «-انی» عربی که صفت دارندگی می‌سازد ساخته شده‌باشد. واژه‌های دسته آخر خود دو گروه‌اند:
 - آنها که از اصل عربی‌اند، همانند «لحیانی» و «شهوani»;
 - آنها که در فرهنگ‌های کهن عربی مدخل نشده‌اند و ممکن است حاصل بازتحلیل (renalaysis) فارسی‌زبانان باشند، مانند «عصبانی» و «حقّانی».
۴. دسته دیگری از کلمات مختم به «-انی» اسامی رساننده مفهوم اهلیتند (چون «نصرانی»، «اسکندرانی» و «یونانی») که همانطور که اشاره کردیم، نمی‌توان با قطعیت تشخیص داد که اصل بعضی از آنها سریانی است یا عربی.

باید توجه کرد که طبقه‌بندی‌ای که به دست دادیم بسیار ساده‌شده‌است. برای آنکه بتوان تصویر دقیق‌تری به دست داد، باید پاسخ پرسش‌هایی را که در متن مطرح شدند یافت و این کار نیازمند آن است که از روش‌ها و اصول ریشه‌شناسی زبان‌های سامی مطلع باشیم. اکتفا به توصیف‌هایی مانند «این پسوند اصل عربی دارد» جدا از آنکه مانعی است برای دریافتن روند دادوستدهای بین‌زبانی‌ای که به تغییرات یک زبان منجر می‌شوند، این اصل را که تغییرات زبان یک روند پیوسته و پویا است

Middle Persian). Turnhout, Brepols.

- در این کتاب ذیل مدخل «منانی» (ص ۷۵) و پاورقی آن، می‌توان از رجاعاتی در مورد واژه‌های «منانی»، «حر نانی» و «عنانی» و توضیحاتی در باب تحولات آوایی کلماتی که با این پسوند ساخته می‌شوند یافت.

- NÖLDEKE, Th. (1871). "Die Namen der aramäischen Nation und Sprache". *Zeitschrift Der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft*, 25(1/2), pp. 113-131.

- نولدکه در بخشی از این مقاله به مناسبت «آرامی» و مترادفاتش در عربی، در باب ساخت‌های اسامی رساننده‌ی مفهوم اهلیت در عربی که مختوم به -انی هستند سخن گفته است.

منابع دیجیتال

- پایگاه اینترنتی Comprehensive Aramaic Lexicon به آدرس: <http://cal.huc.edu/>

- نرم‌افزار «قاموس النور ۲».

نادیده می‌گیرد و تمام موارد مشابه را حاصل یک تغییر یک‌باره (در این مورد، وام‌گیری واژه‌هایی از عربی) می‌داند، حال آنکه دیدیم که این موارد مشابه می‌توانند به طرق مختلفی (حتی از طریق یک فرایند صرفی کاملاً درون‌زبانی و نه بین‌زبانی، یعنی به وجود آمدن یک «-انی» نسبت در فارسی) ایجاد شده باشند.

منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۵). دستور تاریخی زبان فارسی. تهران: سمت.
- شریعت، محمدجواد (۱۳۹۰). «نقدی بر ساختار صفت نسبی در زبان فارسی». پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، ش ۴ (تابستان): ۵۳-۸۶.
- این دو منبع نشان‌دهنده تلقی دستورنویسان ایرانی از این پسوند است.

- BROCKELMANN, C. (1908). *Grundriss der vergleichenden Grammatik der semitischen Sprachen*. Bd I. Berlin: Verlag Von Reuther & Reichard.
- NÖLDEKE, Th. (1898). *Kurzgefasste Syrische Grammatik*. Leipzig: Chr. Herm. Tauchnitz.

- در این دو کتاب، می‌توان صورت‌ها و کاربردهای پسوند مورد بحث را در زبان‌های سامی (و به‌طور خاص سریانی در کتاب نولدکه) پیدا کرد.

- de BLOIS, F. (2002). "Nasrānī (Ναζωραῖος) and hanīf (εθνικός): Studies on the religious vocabulary of Christianity and of Islam". *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 65(1), pp. 1-30.

- دوبلوا در بخشی از این مقاله به بررسی اشتقاق «نصرانی» پرداخته است که خلاصه‌ای از آن را در اینجا یاد کردیم.

- de BLOIS, F. & N. Sims-Williams (2006). *Dictionary of Manichaean Texts. Volume II: Texts from Iraq and Iran (Texts in Syriac, Arabic, Persian and Zoroastrian*

